

این نامه توسط دوست عزیزم خانم سحر عبادی
همه فدای رحمت ابراهیم و سارا

دست بیدار عزیز و خوبیدار گانه زواله عزیزم

مدتی این سفری تا خیره

گاه درسی سفری از تریه ارمغان می آورد با اراده

فاصله می خواند . گاه با کتب باسی که برام فرستاده ای

سرگرم می شوم ، در محافل و مجالس با دست را

گرمای می دارم . همیشه عود آرام و کتب و حدیث

تو را این عشق دارم . طو در غریب و نازنین همیشه

بی یاد سفری که با هم بودیم هستیم . حقیقت حقیقتیم

و حقیقت خوش گذشت . الطاف دوباره به روزگار

مدیر بارگشته بودیم و به شوقیت های گردگانه و معصوم

عزیزم . نمی دانم بار دیگر هست خواهد بود که تو را این عشق

من از محبت خود نامیدیم . شاید ... و باشد که باز بینیم

خانم مراد دل می دید . به سیرت مندرت به سیرت و به دگرگشت
سلام مرا برسان . امید است هر جا که هستی خوش و پر بارایی
قرابت بین